

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ فیروزی ۲۰۱۹

"به مرگ گرفتن تا به تب راضی شدن"

دوشنبه- ۰۶ حوت ۱۳۹۷- کابل: در یادداشت امروز برداشتی را که از "سیاست" و "فعالیت سیاسی" نزد افراد به وجود آمده مورد توجه قرار می دهیم. از قبل باید بنویسم که در این یادداشت از ورود به معنای اکادمیک سیاست آگاهانه احتراز صورت می گیرد، بلکه بیشتر مفاهیمی را که از میدان قمار سیاستبازان بورژوائی بر سیاست تحمیل نموده اند به بحث گرفته خواهند شد.

از سالها بدین سو، هر زمانی که حرفی از سیاست به میان می آید به جای آن که تحلیل ها انسان را به آنجا بکشاند که سیاست ورزیدن یعنی چگونگی تنظیم امور آنها در راستای خدمت به مردم افاده گردد، بسیار عاجل وازه هائی که اساساً به یک میدان قمار تعلق دارند، عرض اندام می نمایند مانند: برنده و بازنده، بردبرد، برد و باخت، باخت باخت و

...

اگر قرار باشد به ارتباط جریانات اخیر مربوط به افغانستان از همین دیدگاه قماربازان نظر انداخته شود، به جرأت می توانیم بنویسیم که برنده نهائی و چه بسا تنها برنده تمام کش و قوسها و زدوبند های اخیر در منطقه تنها پاکستان است و بس، زیرا:

۱- همه به یاد داریم که از سالها بدین سو به خصوص از زمانی که دیو سپید بر کاخ سپید سایه انداخت، تقریباً اکثریت رسانه های نواله خوار کاخ سپید من جمله رسانه ها در افغانستان، مسؤول درجه یک و تنها مسؤول تمام شکست و ریخت ها، ویرانی ها، قتل و قتل ها، بی خانمانی ها و آوارگی های میلیونی در افغانستان را به پاکستان نسبت می داند.

۲- از همین رو در کنار آن که دیو سپید کاخ سپید، از تحریمات و فشار های اقتصادی بر آن کشور یاد می نمود و "مغز متعفن" نیز به تاسی از سیاست ارباب اینجا و آنجا از "تجرید" مطلق پاکستان حرفی به میدان می انداخت، بودند کسانی که از دیو سپید انتظار داشتند و عین انتظار را در دیگران نیز به وجود می آوردند که باید دیوسپید با یک ضربت کاری "دیگ دال" را سرنگون نموده، به عوض "چپاتی"، "چپات" روزانه برای پاکستان مقرر دارد.

۳- در جوشاجوش چنین فضاء و انتظاراتی دیده می شود که دیوسپید با انتخاب "زلمی خلیل زاد" که گویا با پاکستان شخصاً چندان مناسبات حسنه ای ندارد، برای پیشبرد امور صلح، ظاهراً نشان می دهد که قصد چه کردن دیگ دال را دارد. مگر گذشت روزگار نشان داد که مسأله آن طور نبوده است، چه:

به جای آن که "خلیلزاد" عامل بیشتر شدن فشار بر پاکستان گردد، زمینه برد های متعدد را برای پاکستان به وجود آورد. کمکهای پولی بلوکه شده امریکا دوباره در آنجا جریان یافت، از لحاظ سیاسی اسلام آباد به چشم امید غرب و شرق مبدل شد، در تمام کنفرانسها از شرق تا غرب، تمام قدرت های جهانی پذیرفتند که **قیمومیت انسانهای نابالغ** در امر سیاسی در افغانستان را می باید پاکستان به دوش داشته باشد، افرادی را که به اساس فیصله های شورای امنیت محدودیت های مسافرتی و حتا زندگانی علنی داشتند، با فضاء سازی آزاد ساخته، چنان وانمود نمودند که اگر این فرد و یا آن فرد در مذاکرات با دیو سپید شرکت نوزد، صلحی به وجود نخواهد آمد به اصطلاح دیوسپید را به مرگ گرفت تا به تب راضی شود و ... وقتی تمام این تحولات را در نظر می گیریم دیده می شود که تمام این بازی ها فقط یک برنده داشته است. پاکستان.

این که چرا چنین است و چطور می توانند بازی کنان پاکستانی یک بازی باخته را به برده تبدیل نمایند، امریست که می باید همه به آن بیندیشیم، یقیناً محصول خرد جمعی به ما خواهند فهماند که چه باید نکنیم تا نبازیم.

سرکها ما را می طلبد!!